



فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دهم، شماره نوزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۲)

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محسن اکبری شاهرودی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهاوندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Rereading the Limit of Spousal Support and Its Implications for the Issue of Women's Employment

*Hossein Bostān*¹

Abstract

The limit of spousal support is one of the most important issues in jurisprudence, which despite having a long history in jurisprudential sources, still suffers from lack of clarity due to ambiguity in the criteria and evidence of the obligation of support and the different interpretations of jurists on verses and hadiths. In this article, with the analytical descriptive method and the library information, an attempt has been made to take a step towards disambiguating this debate by quickly rereading the proofs of this issue and controverting in some jurisprudential opinions, and then the requirement of chosen point of view in this issue for the discussion of women's employment will be stated. Based on the findings of the research in the first part, the view of the jurists who believe that the wife's support is limited to food and clothing and not including all the financial needs of the wife, has been strengthened. In the second part, regardless of the introduction of various capacities other than support that a woman can provide her financial needs through them, we have considered the requirement of the mentioned point of view for the discussion of women's employment to prove its priority, provided that there is no guarantee that the financial needs of the wife will be provided by other means.

Keywords: Spousal Support, Women's Employment, Wife's Financial Rights, Family Rights.

1. Associate Professor of the Research Institute of the Faculty and University; hboostan@rihu.ac.ir

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دهم، شماره نوزدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۲)
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

بازخوانی محدوده نفقه همسر و دلالت آن برای مسأله اشتغال زنان

حسین بستان^۱

چکیده

محدوده نفقه همسر یکی از مسائل مهم در فقه است که با وجود پیشینه طولانی در منابع فقهی، به دلیل ابهام در ملاک و مدرک وجوب نفقه و برداشت‌های متفاوت فقیهان از آیات و روایات، هم‌چنان از نبود شفافیت رنج می‌برد. در این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای کوشش شده است ابتدا با بازخوانی سریع ادله این مسأله و مناقشه در برخی برداشت‌های فقهی، گامی در جهت ابهام‌زدایی از این بحث برداشته شود و سپس استلزام دیدگاه برگزیده در این مسأله برای بحث اشتغال زنان بیان گردد. بر اساس یافته‌های تحقیق در بخش نخست، دیدگاه فقیهان قائل به اختصاص نفقه همسر به خوراک و پوشاک و عدم شمولیت آن نسبت به همه نیازهای مالی همسر تقویت شده است و در بخش دوم صرف نظر از معرفی ظرفیت‌های گوناگون دیگری به جز نفقه - که زن می‌تواند نیازهای مالی خود را از طریق آنها تأمین کند - استلزام دیدگاه یادشده برای بحث اشتغال زنان را اثبات رجحان آن دانسته‌ایم؛ مشروط به اینکه تضمینی بر تأمین نیازهای مالی همسر از راه‌های دیگر وجود نداشته باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، حقوق خانواده، حقوق مالی زوجه، نفقه همسر.

مقدمه

و جوب تأمین نفقه همسر از سوی شوهر به عنوان یکی از وظایف زناشویی که با عقد نکاح (به شرط تمکین زن) ثابت می‌شود، حکمی مستند به شواهد فراوان قرآنی و حدیثی بوده و از این رو مورد وفاق همه فقیهان مسلمان است. با این حال، فقها به دلیل ابهام در ملاک و مدرک وجوب نفقه و برداشت‌های گوناگون از آیات و روایات، در تعیین محدوده آن به دیدگاه مشخص و یکسانی دست نیافته‌اند؛ در نتیجه، با وجود توافق درباره موارد یقینی، شامل تأمین خوراک، پوشاک و مسکن، شاهد اختلاف دیدگاه آنان درباره بسیاری از مصادیق ادّعایی نفقه همسر، مانند اجرت استحمام، هزینه دارو، اجرت طبیب و کفاره افطار روزه برای زن باردار هستیم. از این گذشته، گاه حتی در کلمات فقیه واحدی، ناسازگاری دیده می‌شود و به تعبیر صاحب جواهر^۱ با سخنان مشوش و مضطربی در این زمینه روبه‌رو هستیم؛ چرا که اگر وظیفه شوهر را تأمین همه نیازمندی‌های زن می‌دانند، وجهی ندارد که مواردی، مانند دارو، عطر، سرمه و اجرت حمام را استثنا کنند و اگر آن را منحصر به تأمین خوراک، پوشاک و مسکن می‌دانند؛ نباید مواردی، مانند تهیه فرش، گرفتن خدمتکار و پرستار را جزء نفقه قلمداد کنند. (نجفی، [بی‌تا]، ج ۳۱، ص ۳۳۶)

از این گذشته، این مسأله از جهت ابهام‌های مربوط به پیامدهای اجتماعی فتاوی فقها نیز قابل تأمل است؛ از جمله اینکه آیا فتوای وجوب تأمین همه نیازهای مالی زن بر شوهر به این معناست که اسلام ترجیح می‌دهد زن از نظر معیشتی به طور کامل وابسته به شوهر باشد و آیا این فتوا موجب افزایش احتمال درخواست طلاق از سوی زنان به دلیل ناتوانی شوهران در پرداخت نفقه نخواهد شد؟

این نوشتار می‌کوشد با واکاوی مجدد منابع قرآنی، حدیثی و فتوایی، گامی در جهت برطرف شدن ابهام‌های یادشده بردارد و تصویر روشن‌تری از مسأله ارائه دهد. بنابراین از میان ابعاد و مسائل مختلف بحث نفقه زوجه، مانند نفقه زمان عدّه، شرط سقوط نفقه، اینکه آیا ملاک نفقه زن، شأن خانوادگی اوست یا شأن زوج یا اینکه باید شأن هر دو با هم ملاک تعیین نفقه قرار گیرد و ابعاد دیگر، تنها بر این مسأله تمرکز خواهیم داشت که آیا ملاک نفقه، مطلق نیازهای مالی زن است؛ یعنی هر گونه

نیاز وی که رفع آن وابسته به پرداخت مال است یا ملاک آن، نیازهای مالی خاصی است که در نصوص، در قالب سه عنوان خوراک، پوشاک و مسکن معین شده‌اند؟ در ضمن، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، نخست کوشش در جهت ارائه تصویری جامع و روشن از اقوال و ادله بحث و ابهام‌زدایی از این مسأله و در مرحله بعد، بیان استلزام دیدگاه برگزیده در این مسأله برای بحث اشتغال زنان است. در ارتباط با پیشینه این پژوهش، بی‌گمان مهم‌ترین بخش پیشینه را باید در آثار گران‌سنگ فقیهان یافت که به طور معمول در مباحث کتاب النکاح به این مسأله پرداخته‌اند. از این گذشته، مقالات و پایان‌نامه‌های پرشماری در سال‌های اخیر در زمینه نفقه زوج، تدوین و منتشر شده‌اند که البته بسیاری از آنها به ابعاد دیگر موضوع نفقه پرداخته‌اند و فقط اندکی از آن، با مسأله این پژوهش مرتبط بوده‌اند.

با این حال، مروری بر محتوای همین مقالات مرتبط نشان می‌دهد که یا رویکرد ترویجی دارند و به گردآوری و مقایسه دیدگاه‌های فقیهان پرداخته‌اند و یا با مفروض گرفتن دیدگاه مشهور فقیهان معاصر، حد اکثر در برخی فروض مسأله، مانند هزینه درمان مناقشه کرده‌اند. برای نمونه، قاضی‌زاده و شاه‌جعفری (۱۳۸۸) در مقاله «مبنا و ماهیت فقهی حقوقی نفقه زوج در قرآن» و کاظم‌پور فرد و جمشیدی شهمیری (۱۳۹۰) در مقاله «واکاوی فقهی در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقه‌های اسلامی»، نظر مشهور فقیهان معاصر را مفروض گرفته‌اند، همچنان‌که اردستانی و انگورج تقوی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی فقهی ماهیت وجودی نفقه زوج و کمیت و کیفیت آن در مذاهب خمس»، اسدبیگی (۱۳۹۷) در مقاله «گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه واجب زوج در مذاهب خمس» و حیدریان دولت‌آبادی و مظاهری کوهانستانی (۱۳۹۸) در مقاله «تبیین ماهیت و آثار مترتب بر نفقه زوج در مذاهب اسلامی با رویکرد بین‌المللی» به بررسی تطبیقی دیدگاه فقیهان شیعه و فقیهان مذاهب چهارگانه اهل سنت پرداخته‌اند.

آری، برخی مقالات نیز بر مسأله همین پژوهش، یعنی ملاک تعیین مصادیق نفقه زوج متمرکز شده‌اند؛ ولی اولاً تعمیم دایره نفقه را نتیجه گرفته‌اند که مقابل دیدگاه برگزیده است و ثانیاً به محور دوم این نوشتار، یعنی ربط موضوع نفقه با مسأله

اشتغال زن از اساس ورود نکرده‌اند. برای نمونه، محمودی، مؤمنی و ایزدی‌فرد (۱۴۰۰) در مقاله «نفقه زوجه و مقاصد شریعت» به این نتیجه می‌رسند که نفقه زوجه عبارت است از تأمین نیازهای مادی، بهداشتی، معنوی، روانی، علمی و آموزشی او در راستای استحکام نظام خانواده و تربیت صحیح فرزندان و از این‌رو تعیین نفقه در مسائل مادی، مانند مسکن، لباس و غذا از باب طریقت بوده و فی‌نفسه موضوعیت ندارد. هم‌چنین موسوی هاشمی و سلیمانی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی شمولیت نفقه با رویکرد فعالیت‌های هنری زوجه» به این نتیجه دست یافته‌اند که موارد احصاء شده برای نفقه، انحصاری نبوده و با توجه به نیاز و شرایط زمان و مکان، قابل توسعه هستند و به طور خاص می‌توان اختصاص مالی برای آموزش زن و هزینه‌های لازم در امور هنری تا هنگام فارغ‌التحصیلی او را مشمول عنوان نفقه دانست.

۱. مفهوم‌شناسی نفقه

نفقه در لغت به معنای چیزی است که اتفاق می‌شود. اتفاق از ریشه «نَفَقَ» به معنای جاری شدن یا به معنای خارج شدن و یا به معنای فانی و تمام شدن است که بنا بر احتمال نخست، اتفاق مال به معنای اجرای مال و صرف آن است و نفقه به معنای مالی است که صرف می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، مدخل «نَفَقَ») و بنابر احتمال دوم، اتفاق مال به معنای اخراج مال از تحت ملکیت و بنا بر احتمال سوم، اتفاق مال به معنای اِفاء مال است. (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۹۷)

برخی ادعا کرده‌اند که چون مفهوم نفقه، حقیقت شرعیه نیست، باید برای تعیین محدوده و مصادیق آن به عرف رجوع کرد؛ حتی اگر در روایات در این خصوص، تحدیدی صورت گرفته باشد، موضوعیت نخواهد داشت و باید این تحدید را بر بیان آنچه در میان عرف آن زمان رایج بوده حمل کرد (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۱۳)؛ ولی به نظر می‌رسد در این ادعا، خلطی بین مفهوم و مصداق خارجی واقع شده است؛ زیرا اگر در حقیقت شرعیه نفقه تردید می‌شود، حقیقت عرفیه آن نیز می‌تواند انکار گردد و از این‌رو می‌توان ادعا کرد نسبت به محدوده نفقه، شبهه مفهومیه داریم که مرجع در رفع این شبهه، خود شارع است. آری، پس از مشخص شدن مفهوم کلی،

که برای نمونه شامل خوراک و پوشاک زن است، در تعیین مصادیق خارجی، مانند اینکه خوراک یا پوشاک باید از چه نوع و به چه مقداری باشد، می‌توان به عرف رجوع کرد.

۲. بررسی ادله شمول نفقه همسر نسبت به همه نیازهای زن

برای شمول نفقه همسر نسبت به هم نیازهای مالی زن به شواهدی استناد شده یا می‌توان استناد کرد که در ادامه، به بررسی آنها می‌پردازیم:

- اطلاقات امر به انفاق بر همسر در آیات قرآن و روایات و به طور خاص آیه «وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»؛ و اگر [زنان مطلقه] باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند. (طلاق: ۶)، آیه «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ»؛ آنکه امکانات وسیعی دارد، باید از آن امکانات انفاق کند و کسی که تنگدست است، باید از آنچه خدا به او داده انفاق نماید. (طلاق: ۷) و آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» مردان سرپرست و نگهدار زنانند، به دلیل مزیت‌هایی که خداوند برای بعضی [مردان] نسبت به بعضی دیگر [زنان] قرار داده است، و به دلیل انفاقی که از اموالشان [در مورد زنان] می‌کنند. (نساء: ۳۴)

در همین راستا، برخی فقیهان به اطلاق روایات اجبار بر نفقه تمسک کرده‌اند. برای نمونه صحیح‌ه حلبی^۱ از امام صادق (ع) که حضرت در پاسخ به سؤال «مَنْ الَّذِي أُجْبِرُ عَلَى نَفَقَتِهِ؟» می‌فرماید: «الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ وَالْوَارِثُ الصَّغِيرُ» (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۱۲) طبق ادعا، حضرت میان مصادیق نفقه تفصیل نداده‌اند و این، دلیلی بر شمولیت نفقه نسبت به همه نیازمندی‌های زن است. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۲)

اشکال این استدلال آن است که آیات یادشده در مقام تشریع وجوب نفقه بر زوجه نیستند تا به اطلاقشان تمسک شود؛ بلکه آیه نخست و آیه دوم، در مقام تعمیم نفقه مفروض‌الوجوب همسر به زن مطلقه هستند؛ همان‌طور که آیت‌الله حکیم (ع) راجع به آیه دوم گفته است و چنانچه برخی روایات تفسیرکننده، مانند

۱. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ.

صحيحه ربیع بن عبد اللہ و فضیل بن یسار (حرّ العالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۰۹) — که در ادامه به آنها اشاره می شود — را شاهی بر شمول این آیه نسبت به زوجه بدانیم، با توجه به مضمون همین روایات — که نفقه را در ظاهر به خوراک و پوشاک منحصر کرده اند، نمی توان به اطلاق نفقه ملتزم شد. (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۰۳) با بیانی مشابه می توان گفت: صحیح حلی نیز در مقام تشریع وجوب نفقه بر زوجه نیست؛ بلکه ضمن مفروض گرفتن وجوب نفقه، فقط در صدد بیان موارد مشروعیت اجبار بر نفقه است؛ ولی آیه سوم، در اصل مفاد اخباری دارد و انشاء نیست تا اطلاق در آن راه داشته باشد.

— اطلاق معاشرت یا امساک به معروف در فراز قرآنی «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ» (بقره: ۲۲۹) که عده ای از فقها در فروع مختلف به آنها استناد کرده و از آنها احکام الزامی استنتاج کرده اند، از جمله استنتاج وجوب هم خوابگی با زن یا وجوب اتفاق بر او در حِلِّ متعارف. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۷۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۶۹)

بر این اساس، ممکن است ادعا شود که تأمین همه نیازمندی های همسر به دلیل صدق عنوان معاشرت به معروف، بر شوهر واجب است و به همین دلیل، مشاهده می کنیم که فقیهان در تعیین بسیاری از مصادیق نفقه زوجه، به اطلاق معاشرت به معروف استناد می کنند که برای نمونه می توان نگاهی به کلمات صاحب جواهر^۱ داشت. (نجفی، [بی تا]، ج ۳۱، ص ۳۰۲ - ۳۴۰)

برخی از فقیهان معاصر تا آنجا پیش رفته اند که ادعا کرده اند حتی اگر روایات مسأله — که در ادامه مطرح می شوند — بر اختصاص نفقه به خوراک و پوشاک دلالت داشته باشند، به دلیل مخالفت با اطلاق معاشرت به معروف و از باب مخالفت با قرآن، باید ردّ شوند. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۱)

با این حال، این استدلال نیز قابل مناقشه است:

اولاً: می توان این اشکال نقضی را به هر دو استدلال پیشین مطرح کرد که مشهور فقیهان در مسأله نفقه والدین و فرزندان به شمولیت نفقه ملتزم نشده اند.

گواه آن، این است که در فرض نیاز فرزند یا پدر به ازدواج، قائل به وجوب انکاح نشده و آن را مستحب دانسته اند. (بحرانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۱۳۷؛ نجفی، [بی تا]،

ج ۳۱، ص ۳۷۷؛ گلیپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۸۴) در حالی که اگر اطلاقات «انفاق» در آیات و روایات و نیز اطلاق آیه معاشرت به معروف، اقتضای شمول نفقه نسبت به هم نیازهای مالی را داشته باشند، همین اطلاقات یا مشابه آنها - مانند اطلاق آیه ﴿بِأَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱) و اطلاق صحیحہ حلبی در مورد اجبار بر نفقه - را در مورد نفقه والدین و فرزندان هم داریم.

ثانیاً: مفهوم «معروف»، دائره گسترده‌ای دارد که واجبات و مستحبات را در بر می‌گیرد و بی‌شک، معاشرت به معروف در مورد مستحبات نمی‌تواند واجب باشد. در نتیجه، یا باید ظهور امر در وجوب را حفظ کنیم و معروف را بر خلاف ظاهرش به واجبات اختصاص دهیم و یا بنا بر احتمال قوی‌تر، ظهور معروف در عموم را حفظ کنیم و از ظهور امر در وجوب دست بکشیم.

به هر حال، در موارد شک در وجوب رفع نیازهای زن نمی‌توان با استناد به این آیه، وجوب را نتیجه گرفت؛ زیرا در فرض نخست، تمسک به آیه برای اثبات وجوب، در اصطلاح، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود که از نظر قواعد اصولی مردود است و در فرض دوم نیز، آیه از اساس ظهوری در وجوب ندارد و تنها مفهوم جامع بین وجوب و استحباب، یعنی رجحان را ثابت می‌کند. البته منظور این نیست که آیه فقط در مقام بیان مستحبات است؛ چرا که گاهی معاشرت به معروف واجب است، ولی ادعا این است که وجوب از خود آیه به‌تنهایی فهمیده نمی‌شود و نیاز به پیوست قرائن دیگر دارد. به نظر می‌رسد همین اشکال باعث شده تا برخی، مانند آیت‌الله حکیم رحمته‌الله، مفاد قاعده معاشرت به معروف را اخلاقی قلمداد کنند. (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۰۲)

با این حال به نظر می‌رسد بتوان از یک دیدگاه حد وسط دفاع کرد که نه مانند شماری از فقیهان، از اطلاقات معاشرت و امساک به معروف، به طور گسترده احکام الزامی استنتاج می‌کند و نه مانند آیت‌الله حکیم رحمته‌الله آنها را به طور کلی اخلاقی قلمداد کرده و از صلاحیت استدلال در احکام الزامی می‌اندازد. توضیح مطلب آنکه می‌توان ملاکی برای معروف‌های واجب تعیین کرد و آن اینکه هر گاه بر ترک یک معروف، عنوان فعل منکر صدق کند، آن معروف از واجبات خواهد بود.

بنابراین، خطاباتی، مانند «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَإِمْسَاكِ بِمَعْرُوفٍ» هرچند بر وجوب همه مصادیق معاشرت و امساک به معروف دلالت ندارند؛ ولی از آنها وجوب معاشرت به معروف در مواردی که بر ترک معروف، عنوان فعل منکر صدق می‌کند، استفاده می‌شود. به تعبیر دیگر، این خطابات هرچند به تنهایی وجوب حُسن معاشرت را ثابت نمی‌کنند؛ ولی بر حرمت سوء معاشرت دلالت دارند.

به نظر می‌رسد وجه این استظهار را بتوان این‌چنین توضیح داد که وقتی مفهومی تشکیکی و دارای مراتب، متعلق امر مولا قرار می‌گیرد، عرفاً وجوب کمترین مراتب آن مفهوم از باب قدر یقینی، فهمیده می‌شود. برای نمونه، اگر امر شود که خانه را روشن کنید، بر وجوب کمترین مراتب روشنایی دلالت دارد؛ به گونه‌ای که تاریک گذاشتن خانه، مخالفت امر قلمداد می‌شود؛ هرچند وجوب مراتب بالاتر روشنایی به دست نمی‌آید و حد اکثر می‌توان به استحباب آنها قائل شد.

در نتیجه، در مورد هر هزینه‌ای - به جز خوراک و پوشاک - که عرف متشرعه، ترک آن را سوء معاشرت با همسر قلمداد می‌کند، می‌توان قائل به وجوب آن بر شوهر شد؛ ولی باید توجه داشت که وجوب آن لزوماً از باب وجوب نفقه نیست؛ چرا که اگر برحسب ظاهر روایات - چنان‌که خواهد آمد - قائل به انحصار نفقه در خوراک و پوشاک شویم، وجوب آن از باب وجوب حُسن معاشرت یا به تعبیر دقیق‌تر، حرمت سوء معاشرت با همسر خواهد بود و روشن است که ثمرات فقهی مهمی بر این مطلب از جمله تعلق به ذمه شوهر در فرض داخل شدن در نفقه و عدم تعلق به ذمه او در فرض اخیر و هم‌چنین وجوب آن به طور مطلق در فرض نخست و اختصاص وجوب آن به صورت فقر زن در فرض دوم مترتب می‌گردد.

- ظهور صحیح‌ه عبدالرحمن بن حجاج^۱ در شمولیت که برحسب این روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خَمْسَةٌ لَا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً: الْأَبُ وَالْأُمُّ وَالْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالْمَرْأَةُ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لَازِمُونَ لَهُ» به پنج نفر چیزی از زکات داده نمی‌شود: پدر، مادر، فرزند، مملوک و همسر؛ زیرا اینان عائله شخص و واجب النفقه

۱. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

وی محسوب می‌شوند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۴۰ - ۲۴۱)

وجه استظهار شمولیت از این روایت آن است که طبق فرمایش حضرت، مردان از پرداخت زکات به همسران و سایر افراد عائله به طور مطلق و بدون تفکیک بین صرف زکات در هزینه‌های خوراکی و پوشاکی و سایر هزینه‌ها، پرهیز داده شده‌اند و دلیل این ممنوعیت، واجب‌النّفقه بودن آنان است و این بدان معناست که گویا شارع مقدّس، فرض تحقّق فقر در مورد آنان را - که مجوّز اخذ زکات است - منتفی می‌داند و به تعبیر دیگر، این تعلیل به‌روشنی نشان می‌دهد که وظیفه تأمین همه هزینه‌های مالی زن بر عهده شوهر است؛ زیرا در غیر این صورت، زن نیازمند، طبق قواعد باید بتواند برای رفع نیازهای خود از زکات شوهرش استفاده کند. (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۰۴)

با این حال می‌توان در این برداشت، این‌گونه مناقشه کرد که تعلیل در روایت، همان‌طور که قواعد محاوره اقتضا می‌کند، به امری صورت گرفته که در مرحله پیش از حکم، مفروض بوده است؛ نه اینکه حضرت با این تعلیل در صدد تشریع حکم باشند. بنابراین، عبارت (ذَلِكَ اَنْهُمْ عِيَالٌ لَّازِمُونَ لَهُ) در مقام تشریع وجوب نفقه نیست تا بتوان به اطلاق آن تمسّک کرد؛ بلکه به وجوب نفقه‌ای اشاره دارد که در رتبه گذشته مفروض است؛ پس نسبت به شمول یا عدم شمول دایره نفقه ساکت است. در نتیجه ممکن است کسی روایت را این‌گونه معنا کند که چون مرد موظّف است نفقه همسرش را - با این فرض که در رتبه سابق به خوراک و پوشاک اختصاص یافته است - بپردازد، پس نمی‌تواند به همسرش برای تأمین این مصارف، زکات بدهد. به این ترتیب، صرف زکات در سایر هزینه‌های زن منعی نخواهد داشت و در نتیجه، وجوب تأمین همه هزینه‌های مالی زن بر شوهر اثبات نمی‌شود.

- ظهور روایت محمد بن سنان در شمولیت با توجه به اطلاق عبارت «اِنْ اِحْتَاَجَتْ» آنجا که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «عَلَّةٌ أُخْرَى فِي إِعْطَاءِ الذَّكَرِ مِثْلُ مَا تُعْطَى الْأُنْثَى لِأَنَّ الْأُنْثَى فِي عِيَالِ الذَّكَرِ إِنْ اِحْتَاَجَتْ وَعَلَيْهِ أَنْ يَعُولَهَا وَعَلَيْهِ نَفَقَتُهَا وَلَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَعُولَ الرَّجُلَ وَلَا تُؤْخَذَ بِنَفَقَتِهِ إِنْ اِحْتَاَجَ؛ دلیلی دیگر برای پرداخت دوبرابر ارث زن به مرد آن است که زن اگر نیازمند شود، جزء عائله مرد است و بر عهده

مرد است که معیشت او را تأمین کند و نفقه‌اش را بپردازد؛ در حالی که تأمین معیشت مرد بر عهده زن نیست و اگر مرد نیازمند گردد، نفقه‌اش از زن مطالبه نمی‌شود. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۹۵)

با قطع نظر از برخی ملاحظات سندی که اعتبار این روایت را مخدوش می‌کند، از آنجا که قید «إِنْ احتَاجَتْ» جنبه احترازی ندارد و زن در هر صورت از عیال مرد است؛ به نظر می‌رسد این روایت از اساس در مقام بیان وجوب نفقه همسر نیست تا بتوان به اطلاق آن تمسک کرد؛ بلکه حضرت با مفروض گرفتن حکم نفقه، قصد بیان چیزی بیش از حکمت این حکم را ندارد.

- تعبیر «مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا» در صحیحہ ربّعی و فضیل - که در ادامه خواهد آمد - طبق استظهار برخی از فقیهان، می‌تواند کنایه از وجوب تأمین همه نیازهای متعارف زن باشد. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۲۹۲)؛ ولی به نظر می‌رسد این استظهار، پشتوانه لغوی و عرفی ندارد. ضمن آنکه تعبیر جایگزین این تعبیر در سایر روایات باب، مانند «يُسَدُّ جَوْعَتَهَا»، «يُطْعِمُهَا مِنَ الْجُوعِ» و «يُشْبِعُ بَطْنَهَا» که همگی به موضوع رفع گرسنگی اشاره دارند، این استظهار را بیش از پیش سست می‌گردانند. بنابراین، در جمع‌بندی این بخش به طور اجمال می‌توان گفت: دلیل محکمی بر شمولیت نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن به دست نیاوردیم.

۳. بررسی ادله عدم شمول نفقه همسر نسبت به همه نیازمندی‌های زن

برای عدم شمول نفقه همسر نسبت به همه احتیاجات زن و اختصاص آن به خوراک و پوشاک^۱ نیز به شواهدی استناد شده یا می‌توان استناد کرد که در ادامه، آنها را بررسی می‌کنیم:

- فراز قرآنی «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۲ بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور

۱. در خصوص مسکن باید این نکته را یادآور شد که هرچند در کلمات فقها، مسکن در کنار خوراک و پوشاک به عنوان یکی از سه مؤلفه اصلی نفقه به شمار آمده؛ ولی از ظاهر مجموعه‌ای از روایات که در آنها سکنی و نفقه بر هم عطف شده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۱۹-۵۲۱) می‌توان چنین برداشت کرد که مسکن در ارتکاز اصحاب ائمه علیهم‌السلام، قسیم نفقه بوده است، نه قسم نفقه، و این ارتکاز در کلام ائمه علیهم‌السلام نیز تأیید شده است.

شایسته [در مدّت شیر دادن] بپردازد.» (بقره: ۲۳۳)، ظهور در اختصاص نفقه به خوراک و پوشاک دارد.

- روایات باب نفقه نیز ظهور در اختصاص دارند که برای نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

صحيحه ربعی بن عبدالله و فضیل بن یسار^۱ از امام صادق علیه السلام: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾ قَالَ: إِنْ أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَإِلَّا فَرَّقَ بَيْنَهُمَا؛ حضرت در تفسیر آیه «وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ...» فرمود: اگر خوراکي که قوام جسم اوست و نیز پوشاکش را تأمین کرد که هیچ و گرنه باید از یکدیگر جدا شوند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۰۹)

صحيحه عاصم بن حمید^۲ از امام باقر علیه السلام: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ فَلَمْ يَكْسُهَا مَا يُوَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا؛ کسی که زنی دارد و او را نمی‌پوشاند و خوراک مورد نیازش را برای او فراهم نمی‌آورد، بر امام لازم است که آن دو را از هم جدا کند.» (همان)

صحيحه اسحاق بن عمار^۳ از امام صادق علیه السلام: «أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ حَقِّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا؟ قَالَ: يُشْبِعُ بَطْنَهَا وَيَكْسُو جُثَّتَهَا وَإِنْ جَهِلَتْ غَفَرَ لَهَا؛ از امام صادق علیه السلام درباره حق زن بر شوهرش پرسید؟ فرمود: شکم او را سیر کند و تن او را بپوشاند و اگر کار جاهلانه‌ای از او سر زد، او را ببخشد.» (همان، ص ۵۱۰)

روایت عمرو بن جبیر عرزمی^۴ از امام صادق علیه السلام: «جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَسَأَلَتْهُ

۱. اسناد این روایت: (۱) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَالْحَمِيرِيُّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (۲) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِذِينَةَ عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ (۳) مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِي بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَخَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَالْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

۲. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

۳. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

۴. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْجَاوَرِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُبَيْرِ الْعُرْزُمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

عَنْ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَخَبَرَهَا. ثُمَّ قَالَتْ: فَمَا حَقُّهَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: يَكْسُوها مِنَ الْغُرَى وَيُطْعِمُها مِنَ الْجُوعِ وَإِذَا أَذْنَبَتْ غَفَرَ لَهَا. قَالَتْ: فَلَيْسَ لَهَا عَلَيْهِ شَيْءٌ غَيْرُ هَذَا؟ قَالَ: لَا...؛ زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان درباره حق شوهر بر همسرش پرسید؛ پس حضرت برایش بیان کرد. سپس پرسید: پس حق زن بر او چیست؟ فرمود: برهنگی اش را بپوشاند و گرسنگی اش را سیر کند و اگر گناهی کرد، او را ببخشد. عرض کرد: آیا زن به جز این، حق دیگری بر او ندارد؟ فرمود: نه...» (همان، ص ۵۱۱)

روایت شهاب بن عبد ربّه^۱ از امام صادق ﷺ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا؟ قَالَ: يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يَقْبَحُ لَهَا وَجْهًا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَاللَّهِ أَدَّى إِلَيْهَا حَقَّهَا؛ از امام صادق ﷺ پرسیدم: حق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود: گرسنگی اش را برطرف کند و تنش را بپوشاند و برایش روی تُرش نکند که اگر اینها را رعایت کند، به خدا سوگند، حق او را ادا کرده است.» (همان، ص ۵۱۳)

هم چنین روایتی که در کتاب جعفریات نقل شده،^۲ می تواند به عنوان تأیید مطرح شود. در این روایت می خوانیم: «أَنَّ امْرَأَةً خَاصَمَتْ زَوْجَهَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ قَالَ: وَمَعَهَا وَلَدٌ صَغِيرٌ تُرْضِعُهُ فِي النَّفَقَةِ وَلَمْ يَكُنْ طَلَقَهَا زَوْجَهَا. فَقَضَى لَهَا عَلَى ﷺ رُبْعَ مَكْكُوكٍ مِنْ طَعَامٍ وَجِرَّةٌ مِنْ مَاءٍ؛ زنی که فرزند شیرخوارش را به همراه خود داشت، علیه شوهرش بابت ترک نفقه نزد امیر مؤمنان ﷺ طرح دعوا کرد؛ در حالی که شوهرش او را طلاق نداده بود. پس حضرت به لزوم پرداخت میزان مشخصی آب و غذا به نفع آن زن حکم کرد.» (أشعث کوفی، [بی تا]، ص ۱۰۸) برحسب این روایت، حضرت تنها آب و غذا را به عنوان مصداق نفقه ذکر کرده و به هیچ یک از نیازهای مالی دیگر زن اشاره ننموده است. در ضمن، ظاهر تعبیر نفقه در این روایت، نفقه زن است؛ هرچند اگر نفقه کودک هم منظور باشد، تأثیری در نتیجه بحث ندارد؛ چون مسأله محدوده نفقه در مورد نفقه اقارب نیز هم چون نفقه همسر مطرح است.

۱. سند روایت: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَدَّثَهُ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ.

۲. سند روایت: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ.

در این روایات، با چشم‌پوشی از بخشش خطاها و ترش‌رویی نکردن^۱ که جنبه اخلاقی دارند، نفقه همسر تنها در دو مصداق خوراک و پوشاک منحصر شده است.^۲ همین مضمون در روایات دیگری، مانند صحیح‌ه عنبسه (الحرّ العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۱۰)، صحیح‌ه دیگر إسحاق بن عمار (همان، ص ۵۱۱)، روایت روح بن عبدالرحیم (همان)، روایت یونس بن عمار (همان)، روایت ابوبصیر (همان، ص ۵۱۲) و روایت حسن بن علی بن شعبه در کتاب تحف العقول (همان، ص ۵۱۷) تکرار شده است. هرچند دلالت بیشتر این روایات بر عدم شمولیت نفقه در حدّ ظهور است و احتمال شمولیت را به طور کامل نفی نمی‌کنند؛ زیرا ممکن است ادّعا شود که خوراک و پوشاک از باب نمونه ذکر شده‌اند؛ با این حال، برخی روایات بویژه روایت عمرو بن جبیر و روایت شهاب، در عدم شمولیت صراحت دارند.

- روایت ذیل از کتاب دعائم الاسلام^۳ نیز که وظیفه شوهر در پرداخت هزینه سفر حج همسر را نفی کرده، به عنوان مؤید قابل توجه است؛ زیرا مفاد این روایت با ادّعای شمولیت نفقه منافات دارد. در این روایت می‌خوانیم: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: عَلَى الرَّجَالِ أَنْ يُحْجُوا نِسَاءَهُمْ. قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: إِذَا كَانَتِ النَّفَقَةُ مِنْ مَالِ الْمَرْأَةِ لَا عَلَى أَنْ يَكْلَفَ الزَّوْجُ نَفَقَةَ الْحَجِّ مِنْ أَجْلِهَا وَلَكِنْ يَخْرُجُ مَعَهَا لِتُؤَدَّى فَرَضُهَا

۱. گفتنی است یکی از فقهای گرانقدر عبارت «لَا يُقْبَحُ لَهَا وَجْهًا» را در تفسیری متفاوت، به معنای پرهیز شوهر از زشت‌نمودن چهره زن دانسته و بر اساس این معنا، حق سومی غیر از خوراک و پوشاک برای زن اثبات کرده است و آن، لزوم فراهم‌کردن وسایل و هزینه استحمام و هر آن چیزی است که کیفی و آلودگی را از صورت و موها و بدن زن می‌زداید و در نتیجه از زشت‌شدن چهره زن جلوگیری می‌کند. (الأراکی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۷)؛ ولی این تفسیر به حدّی عجیب و مغایر با فهم عرفی است که هیچ جایی برای توجیه باقی نمی‌گذارد و فقط می‌توان احتمال داد که سهوی در ثبت و ضبط مطلب رخ داده باشد.

۲. البته گاه از تعبیر «يُطْعِمُهَا مَا يَقِيمُ صَلْبَهَا» وظیفه شوهر در تأمین داروی مورد نیاز زن و اجرت پزشک او برداشت شده است؛ زیرا این امور موجب اقامه صلب زن می‌شود، یعنی زن به واسطه آنها می‌تواند کمر راست کند. (الأراکی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۷) با این حال، به قرینه تعبیر اطعام و نیز تعبیر رفع گرسنگی در سایر روایات، نمی‌توان با این برداشت موافقت کرد.

۳. این روایت فاقد سند (مرفوعه) است. البته محتمل است با روایت ذیل که در کتاب جغفریات نقل شده در اصل متحد بوده باشد: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلَى الرَّجَالِ أَنْ يُحْجُوا نِسَاءَهُمْ. قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَغْنَى إِذَا كَانَتِ النَّفَقَةُ مِنْ مَالِهَا فَطَلَبْتُ مِنْهُ الصُّحْبَةَ لِأَدَاءِ الْفَرِيضَةِ».

وَالنَّفَقَةُ مِنْ مَالِهَا؛ رسول خدا ﷺ فرمود: بر مردان است که زنان خود را به حج ببرند. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: این در صورتی است که هزینه از مال خود زن باشد، نه اینکه شوهر وادار شود هزینه حج همسرش را بپردازد؛ ولی باید همراه زن برود تا او واجبش را انجام دهد و هزینه بر عهده خود زن است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۴)

– سیره متشرعه متصل به زمان معصومان علیهم‌السلام نیز شاهی بر عدم شمولیت نفقه است؛ چرا که ارتکاز مسلمانان هیچ‌گاه این نبوده که مردان را موظف به تأمین همه نیازهای مالی همسران، مانند نیازهای آموزشی، معنوی، تفریحی و... بدانند و در عمل هم چنین چیزی مرسوم نبوده که مردان به برطرف کردن همه نیازهای مالی همسران اقدام کنند.

بر اساس مباحث گذشته، از سویی دلیل محکمی بر شمولیت نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن به دست نیامد و از سوی دیگر، شواهد معتبری بر عدم شمولیت نفقه مطرح شد. البته این عدم شمولیت نباید به معنای اختصاص به خوراک و پوشاک قلمداد شود؛ زیرا اشاره شد که قاعده حرمت سوء معاشرت در مواردی می‌تواند به گسترش حقوق مالی زن کمک کند. به این ترتیب، تعارضی میان این قاعده و ظهور برخی روایات بالا بویژه صحیحہ إسحاق بن عمار و روایت عمرو بن جبیر و روایت شهاب پیش می‌آید که در آنها نه نفقه زن، بلکه حق زن بر شوهر به سه مورد محدود شده است که برای رفع این تعارض، باید یا قائل به تقييد این روایات شویم و یا اینکه حق سوم را که با تعبیری، مانند «إِنْ جَهَلَتْ غَفَرَ لَهَا» بیان شده، تعبیری مثال‌گونه برای اشاره به همه موارد حسن معاشرت قلمداد کنیم تا با مفاد قاعده هماهنگ شود.

۴. استلزام محدودیت نفقه برای بحث اشتغال زنان

پذیرش دیدگاه قائل به عدم شمولیت نفقه، ما را با این پرسش مواجه می‌کند که اگر نفقه واجب، شامل تأمین همه نیازهای مالی زن نمی‌شود، فقه برای تأمین آن دسته از نیازهای زن که در دایره نفقه قرار نمی‌گیرند، چه ظرفیتی در اختیار او قرار داده است؟ با توجه به مباحث پیشین، در پاسخ به این پرسش می‌توان ظرفیت‌های مختلفی را شناسایی کرد که از مهم‌ترین آنها موارد زیر یادآوری می‌شود:

۱. در صورت حاکم شدن فضای اخلاقی در خانواده، زن می‌تواند از حمایت اخلاق‌مدارانه شوهر بر اساس قاعده حُسن معاشرت بهره‌مند شود و در نتیجه، چنانچه شوهر دارای تمکّن مالی باشد، نیازهای مالی زن در بالاترین سطح تأمین خواهند شد.

۲. بر اساس ادله‌ای، مانند «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» و «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ»، در مورد هر هزینه‌ای - به‌جز خوراک و پوشاک - که عرف متشرعه، ترک آن را سوء معاشرت با همسر قلمداد می‌کند، می‌توان قائل به وجوب آن بر شوهر شد و این نه از باب وجوب نفقه؛ بلکه از باب حرمت سوء معاشرت با همسر است.

۳. شوهر از باب شرط ارتكازی ضمن عقد، موظف به تأمین پاره‌ای از نیازهای زن از جمله بسیاری از نیازهای بهداشتی و درمانی او و نیز بخشی از امکانات رفاهی مورد نیاز وی، مانند وسایل سرمایشی و گرمایشی است؛ همچنان‌که امکان شرط ضمن عقد به طور صریح نیز برای زن وجود دارد.

به نظر می‌رسد ذکر مواردی، مانند اِخدام (استخدام خدمتکار برای همسر) که در کلمات فقها در شمار مصادیق نفقه زوجه مطرح گردیده (نجفی، [بی‌تا]، ج ۳۱، ص ۳۳۶)، ناشی از خلط بحث نفقه با بحث شروط بوده است؛ زیرا به نظر نمی‌آید بتوان برای وجوب این موارد، مبنای محکمی به‌جز شرط ارتكازی ضمن عقد تصویر کرد.

۴. زن به طور کلی و نیز به عنوان همسر، می‌تواند از برخی منابع مالی، مانند ارث، هبه و مهریه برخوردار شود و از این منابع برای تأمین نیازهای مالی خود استفاده کند.

۵. تعلیل صحیحہ عبدالرحمن بن حجاج (ذَلِكَ اَنْهُمْ عِيَالُهُ لَازِمُونَ لَهُ) با توجه به مخصّص بودن علّت اقتضا می‌کند که در موارد عدم شمول نفقه - که شوهر مکلف به تأمین نیاز مالی همسر نیست - می‌تواند به استناد ادله مربوط به مصارف زکات (از جمله توبه: ۶۰) از طریق پرداخت زکات اموالش نیازهای مالی همسر فقیر خود را تأمین کند؛ همچنان‌که می‌تواند دیون او را از باب سهم غارمین (بدهکاران) ادا کند؛ چرا که در این مورد، فقها تصریح دارند که ادای دین از مصادیق نفقه واجب نیست.

(آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰) واضح است که این حکم، ویژه شوهر نیست و در

فرض صدق عنوان فقیر یا بدهکار بر همسر، امکان پرداخت زکات به وی از سوی دیگران نیز وجود دارد.

گفتنی است این ظرفیت را حتی می‌توان از دیدگاه فقه حکومتی گسترش داد. از این منظر، تأمین نیاز مالی زن از طریق زکات، نه تنها به عنوان وظیفه فردی شوهر یا یکایک مکلفان، بلکه جزء وظایف و تعهدات دولت اسلامی در قبال مردم قلمداد می‌شود و به تعبیری، داخل در آن چیزی قرار می‌گیرد که امروزه در رشته حقوق به آن «حقوق عمومی» اطلاق می‌گردد.

۶. در برخی موارد خاص که زن به سبب نیاز مالی در معرض خطر جانی قرار می‌گیرد، دیگران بویژه شوهر از باب وجوب حفظ نفس محترمه، باید نیاز وی را برطرف کنند.

با این همه، ظرفیت هفتمی وجود دارد که در اینجا تمرکز بیشتری روی آن خواهیم داشت و آن فعال‌شدن خود زن در جهت کسب درآمد و تأمین نیازهای مالی خویش است که این مورد می‌تواند در قالب اشتغال و کارمزدی برای دیگران یا دریافت مزد از شوهر در برابر برخی کارهای خانگی صورت گیرد.

گفتنی است بدون توجه به فراهم‌بودن امکان اشتغال زنان برای تأمین هزینه‌های زندگی، مسأله مطلوبیت یا عدم مطلوبیت این امر در اسلام، مسأله نسبتاً بدیعی است که در ادبیات بحث اشتغال زنان در اسلام تقریباً مغفول یا مسکوت گذارده شده است. به تعبیر دیگر، تولیدکنندگان این ادبیات غالباً به مسأله جواز یا عدم جواز اشتغال زنان پرداخته‌اند و گاه امکان تغییر حکم جواز به وجوب یا حرمت به واسطه عروض عناوین ثانویه را مطرح کرده‌اند؛ ولی راجع به این مسأله که آیا رویکرد کلی اسلام، تشویق اشتغال زنان و بسترسازی برای تثبیت و گسترش آن است یا برعکس، جهت‌گیری اسلام به سمت کاهش یا حذف اشتغال زنان و در نتیجه، تقویت وابستگی مالی آنان به مردان بوده است یا چیزی دیگر، به نظر می‌رسد اهل نظر هیچ‌گونه ورودی به این بحث نداشته‌اند.

به هر حال، با تحلیلی که از ادله فقهی این بحث انجام گرفت، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که هرچند دلالت لفظی روشنی بر مطلوبیت اشتغال و درآمدزایی

زنان در آیات و روایات دیده نمی‌شود؛ با توجه به عدم شمولیت مفهوم نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن، ادعای وجود دلالتی غیرلفظی بر این مطلب از نوع دلالت اقتضا، ادعایی موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا از نظر عقل پذیرفتنی نیست که اسلام از سویی مسئولیتی برای شوهر در تأمین همه نیازهای مالی زن تعیین نکرده باشد و از سویی دیگر، راهکار راجح و مطلوب و تضمین‌شده‌ای برای تأمین این نیازها پیش روی او قرار نداده باشد یا تنها راهکاری مغایر با کرامت زن، مانند استفاده از زکات که مخصوص فقر است، در نظر گرفته باشد.

در ضمن، مفروض آن است که منابعی، مانند مهریه، هبه و ارث، گذشته از اینکه رافع نیازهای زن نیستند، جنبه ثابت و دائمی ندارند و زن هیچ راه تضمین‌شده دیگری برای تأمین همه نیازهای مالی خود در اختیار ندارد؛ همچنان‌که حمایت اخلاق‌مدارانه شوهر در راستای تأمین همه نیازهای مالی زن، فاقد ضمانت اجرای قطعی است. بنابراین، نفس حکم شرعی عدم شمولیت نفقه، اقتضای مطلوبیت اشتغال زنان را دارد، مگر در فرضی که زن نسبت به حمایت کامل شوهر یا تحقق یکی دیگر از راه‌های یادشده، اطمینان کافی داشته باشد.

روشن است که در برابر این استدلال عقلی، جایی برای استناد به ظاهر تعبیر «انَّ النِّسَاءَ مَحْظُورَاتٌ عَنِ التَّعَامُلِ وَ الْمُتَجَرِّ زَنَانِ از کسب‌وکار و تجارت باز داشته شده‌اند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۶۸) در روایت محمد بن سنان^۱ از امام رضا علیه السلام وجود ندارد؛ زیرا گذشته از ضعف سند، ظهور این روایت در ممنوعیت زنان از تجارت، قابل التزام نیست و هیچ فقیهی نیز بر طبق آن فتوا نداده است؛ چرا که با دلایل قطعی جواز اشتغال زنان^۲ منافات دارد. به این ترتیب باید از این ظهور ابتدایی چشم‌پوشی کرد و تعبیر را بر معنای دیگری حمل نمود، مانند اینکه منع زنان از

۱. سند روایت: الصدوق علیه السلام قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام.

۲. روایات پراکنده در منابع حدیثی و تاریخی که می‌توان ادعای تواتر معنوی آنها را داشت، دلالت بر این دارند که اشتغال زنان در صدر اسلام، امری متعارف و مفروغ‌ عنه بوده است (رک: بستان نجفی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۵۱) و روشن است که از این مطلب به ضمیمه کبرای کلی حجیت تقریر معصوم و نیز حجیت سیره متشرعه می‌توان جواز شرعی اشتغال زنان را نتیجه گرفت.

تجارت را ناظر به پرهیز عملی، به معنای محدودیت‌های ناشی از انجام وظایف خانگی بگیریم، نه اینکه منع شرعی در کار باشد.

نتیجه‌گیری

در مسأله محدوده نفقه همسر به نظر می‌رسد آنچه موجب اضطراب کلمات فقها شده، استناد به ادله‌ای با اقتضائات مختلف بدون تلاش کافی برای رفع ناهماهنگی میان آنهاست. از سویی به مجموعه‌ای از روایات خاص استناد می‌شود که اقتضای اختصاص نفقه به خوراک و پوشاک را دارند؛ ضمن آنکه گاه با برداشت‌هایی ناموجه از همین روایات خاص به مصادیق نفقه افزوده شده است؛ مانند آنچه در مورد وسایل استحمام و دارو و اجرت پزشک بیان شد. از سویی دیگر، فقها، قواعدی هم‌چون قاعده معاشرت به معروف را مستند قرار می‌دهند که در تلقی ایشان، مقتضای شمولیت نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن است و در کنار اینها، به احتمال، تحت تأثیر برخی ارتکازات عرفی و سیره‌های عقلایی‌اند که پاره‌ای هزینه‌ها را به عنوان مصادیق نفقه الزام می‌کند. این در حالی است که بر اساس مباحث گذشته، از سویی ادله مورد ادعا مبنی بر شمولیت نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن مورد مناقشه قرار گرفتند و از سویی دیگر، شواهد معتبری بر عدم شمولیت نفقه ارائه شد.

در جمع‌بندی بحث و توضیح دیدگاه برگزیده، ابتدا باید بر لزوم تفکیک میان دو ساحت حقوقی و اخلاقی در این بحث تأکید کرد؛ با این توضیح که نفقه همسر از جنبه حقوقی، مختص خوراک و پوشاک است؛ ولی از جنبه اخلاقی برحسب ادله‌ای، مانند قاعده معاشرت به معروف، نسبت به همه نیازهای مالی زن شمولیت دارد؛ ولی این باعث نمی‌شود دایره هزینه‌های قابل مطالبه زن از شوهر بسیار محدود شود؛ زیرا امکان مطالبه قضایی و اقامه دعوا از سوی زن، شامل خوراک و پوشاک و نیز ملحقات نفقه، یعنی مسکن و التزامات ناشی از شرط ضمن عقد و همچنین هزینه‌هایی می‌شود که عُرف، ترک آنها را سوء معاشرت با همسر قلمداد می‌کند.

بنابراین، نتیجه کوشش این پژوهش در جهت ابهام‌زدایی از مسأله محدوده نفقه زوجه که در مقدمه بحث وعده داده شد، در قالب گزاره‌های زیر قابل تلخیص است:

- نفقه زوجه از جنبه حقوقی، مختص خوراک و پوشاک است و تأمین مسکن نیز به عنوان حق زن بر شوهر به آن دو ملحق می‌شود؛ هرچند این الحاق از باب صدق عنوان نفقه نیست.

- تنها مسیر تأمین نیازهای مالی زن، نفقه نیست و اسلام برای این امر، راهکارهای دیگری در قالب احکامی، مانند جواز پرداخت زکات، مطلوبیت حسن معاشرت و جواز اشتغال زن نیز در نظر گرفته است.

- قاعده معاشرت به معروف در گستره اخلاقی آن، نسبت به همه نیازهای مالی زن شمولیت دارد.

- شوهر به لحاظ حقوقی موظف است آن دسته از هزینه‌های زن - به جز خوراک و پوشاک - را که عدم پرداخت آنها از دید عرف، سوء معاشرت با زوجه قلمداد می‌شود تأمین کند؛ هرچند این هزینه‌ها نیز برخلاف فرمایش فقها، از مصادیق نفقه شرعی نیست.

- بخشی از مصادیقی که فقها برای نفقه زوجه برشمرده‌اند، برخلاف فرمایش ایشان، مصداق نفقه شرعی نیست؛ ولی از باب التزام ناشی از شرط ضمن عقد، قابل توجیه‌اند.

- از آنجا که اسلام تأمین همه نیازهای مالی زن را بر شوهر واجب نکرده و با این کاهش مسئولیت مردان به طور تلویحی، کسب درآمد را برای زنان تجویز نموده است، نمی‌توان گفت که اسلام، خواهان این بوده که زن از نظر معیشتی به طور کامل وابسته به شوهر باشد؛ هم‌چنان‌که مشکل افزایش احتمال درخواست طلاق از سوی زنان به دلیل ناتوانی شوهران از پرداخت نفقه آنان پیش نخواهد آمد.

ولی راجع به استلزام دیدگاه برگزیده برای بحث اشتغال زنان، به طور اجمال باید گفت: هرچند دلالت لفظی روشنی بر مطلوبیت اشتغال و درآمدزایی زنان در آیات و روایات دیده نمی‌شود، ولی می‌توان ادعا کرد نفس حکم شرعی عدم شمولیت نفقه نسبت به همه نیازهای مالی زن، اقتضای مطلوبیت اشتغال زنان را دارد؛ زیرا ظرفیت‌های مختلفی به جز نفقه که در فقه برای برخوردار شدن زن از منابع مالی تعریف شده‌اند، یا جنبه ثابت و دائمی ندارند یا تضمین‌شده نیستند و یا ممکن است با کرامت زن منافات داشته باشند. بنابراین می‌توان قائل به مطلوبیت اشتغال زنان شد؛ مگر در فرضی که زن نسبت به حمایت کامل شوهر یا تحقق یکی دیگر از

ظرفیت‌های یادشده، اطمینان کافی داشته باشد.

به نظر می‌رسد اینکه فقها اشتغال زنان را صرفاً مباح دانسته‌اند و در کلمات آنان سخنی راجع به مطلوبیت و رجحان اشتغال زنان مشاهده نمی‌شود، مبتنی بر این پیش‌فرض بوده است که در عمل، شوهر بیشتر نیازهای مالی همسرش را تأمین می‌کند؛ چرا که برحسب قاعده معاشرت به معروف، موظف به این کار است و در مواردی که شوهر وظیفه ندارد یا از انجام مسئولیت خود شانه خالی می‌کند، زن می‌تواند از ظرفیت‌های شرعی دیگری که در اختیار دارد، نیازهای مالی خویش را تأمین نماید؛ ولی با توضیحات بالا مشخص شد که نه قاعده معاشرت به معروف، همیشه جنبه الزام‌آور دارد و نه ظرفیت‌های یادشده همواره تضمین‌شده و در دسترس هستند، ضمن آنکه گاه ممکن است با کرامت زن، سازگاری نداشته باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم.

۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی (۱۲ ج)، تهران: [بی‌نا].
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب (۱۵ ج)، تحقیق: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۳. أراکی، محمدعلی (۱۴۱۳ق)، رسالة فی نفقة الزوجة، قم: مؤسسه در راه حق.
۴. اردستانی، مهران و انگورج تقوی، حسین (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی ماهیت وجودی نفقه زوجه و کمیت و کیفیت آن در مذاهب خمس»، فقه، حقوق و علوم جزا، ش ۳، جلد ۱، ص ۸۹ - ۹۹.
۵. اسدبیگی، نسرین (۱۳۹۷)، تابستان، «گستره، مقدار و ملاک تعیین نفقه واجب زوجه در مذاهب خمس»، مطالعات قرآنی نامه جامعه، ش ۱۲۶، ص ۴۹ - ۷۲.
۶. أشعث کوفی، محمد بن محمد (بی‌تا)، الجعفریات، تهران: مکتبه نبوی الحديثه.
۷. انصاری (شیخ انصاری)، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۱۴ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة (۲۵ ج)، قم: جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۹. بستان نجفی، حسین (۱۴۰۱). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: مرکز امور بانوان وزارت کشور.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه (۳۰ ج)، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۱۱. حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ق)، مستمسک العروة الوثقی (۱۴ ج)، قم: مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۲. حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد و مظاهری کوهانستانی، رسول (۱۳۹۸)، تابستان، «تبیین ماهیت و آثار مترتب بر نفقه زوجه در مذاهب اسلامی با رویکرد بین‌المللی»، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، دوره دوم، ش ۳، ص ۹۹ - ۱۱۶.
۱۳. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۹ق)، مبانی منهاج الصالحین (۱۰ ج)، تحقیق: عباس حاجیان، قم: منشورات قلم الشرق.
۱۴. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه (۱۰ ج)، قم: انتشارات داوری.
۱۵. قاضی‌زاده، کاظم و شاه‌جعفری، حورا (۱۳۸۸)، تابستان، «مبنا و ماهیت فقهی حقوقی نفقه زوجه در قرآن»، بانوان شیعه، ش ۲۰، ص ۱۱۹ - ۱۴۸.
۱۶. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن (۷ ج)، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۷. کاظم‌پور فرد، فاطمه و جمشیدی شهیمیری، مهسا (۱۳۹۰)، پاییز و زمستان، «واکاوی فقهی

- در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی، *فقه و حقوق خانواده (نمای صادق)*، سال شانزدهم، ش ۵۵، ص ۱۴۰ - ۱۵۸.
۱۸. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹ق)، *مجمع المسائل* (۵ ج)، تحقیق: علی کریمی جهرمی و همکاران، قم: دار القرآن الکریم.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار* (۱۱۰ ج)، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۰. محمودی، سیده فاطمه، مؤمنی، عابدین و ایزدی فرد، علی اکبر (۱۴۰۰)، *تابستان*، «نفقه زوجه و مقاصد شریعت»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۶۴، ص ۱۳۱ - ۱۴۴.
۲۱. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، *فقه الإمام الصادق علیه السلام* (۶ ج)، قم: مؤسسه انصاریان.
۲۲. موسوی هاشمی، رقیه سادات و سلیمانی، مسلم (۱۴۰۱)، *بهار*، «بررسی شمولیت نفقه با رویکرد فعالیت های هنری زوجه»، *عرشیان فارس*، ش ۱، ص ۴ - ۲۰.
۲۳. نجفی، محمدحسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام* (۴۳ ج)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

